

وضعیت علمی قم در عصر صفویه

چکیده

فاطمه سرخیل*

با ظهور دولت صفویه و گسترش آیین شیعه در ایران، شرایط مناسبی برای فعالیت شیعیان پدید آمد. شهر قم نیز به خاطر سابقه‌ای دیرین که در حمایت از تشیع داشت و اینکه اهالی این شهر از زمان قدیم به پیروی از اهل بیت پیامبر(ص) مشهور بودند، در این زمان موقعیتی ممتاز یافت. تلاش علمای نامدار و توجه ویژه بزرگان دولت صفوی برای گسترش علم و دانش در این شهر باعث رشد و شکوفایی محیط علمی قم شد.

واژه‌های کلیدی: قم، دوران حکومت صفویان، مدارس علمیه، عالمان.

مقدمه

قم یکی از شهرهای باستانی ایران است که در زمان اسکندر ویران شد و پس از آن به دست قباد آباد گردید (قمی، ۱۳۶۱، ص ۲۴) و زمانی که انوشیروان کشور را به چهار قسمت تقسیم کرد، شهر قم را از جمله شهرهای قسمت دوم قرار داد (دینوری، ۱۳۶۸، ص ۶۷). این شهر در سال ۲۳ یا ۲۴ هجری به فرماندهی ابوموسی اشعری فتح شد (بلاذری، ۱۴۱۲، ص ۳۱۰). در سال ۹۴ هجری جمعی از اعراب اشعری به قم آمدند (قمی، ۱۳۶۱، ص ۲۴۲) و با ورود ایشان، مذهب شیعه در قم رواج پیدا کرد و از این پس قم به کانونی جمع شدن طرفداران و یاران اهل بیت تبدیل شد (همان، ص ۲۷۸).

اهالی شهر قم در طول تاریخ، طرفدار و محب اهل بیت باقی ماندند. استقامت اهالی این شهر در حمایت از ائمه به حدی بود که امام صادق (ع) درباره فضیلت قم فرمودند: «آگاه باشید که برای خدا حرمی می‌باشد و آن مکه است و برای پیامبر خدا (ص) حرمی است و آن مدینه است و برای امیرالمؤمنین (ع) حرمی است و آن کوفه است. آگاه باشید که حرم من و فرزندان بعد از من، قم است» (مجلسی، ۱۴۰۴، ص ۲۱۷).

وجود مرقد مطهر حضرت فاطمه معصومه (س) بر قداست قم افزود و این شهر را به مأمن امنی برای شیعیان تبدیل کرد. همچنین وجود مراقد متعدد امامزادگان در شهر قم و نواحی اطراف نیز نشان‌دهنده این امر است. به سبب گرایش‌های مذهبی اهالی قم، این شهر در طول تاریخ بارها مورد تهاجم حکومت‌های مخالف شیعه قرار گرفت و با ظهور دولت شیعه مذهب صفوی شرایط و موقعیتی جدید برای شهر قم پیش آمد. در این پژوهش، با سؤال اصلی «وضعیت علمی قم در دوره صفویه چگونه بوده است؟» به بررسی وضعیت مدارس و علمای برجسته قم در عصر صفویه می‌پردازیم.

مدارس علمیه

با ظهور دولت صفویه، حوزه شهر قم که از دیرباز مرکز علم و فقهات شیعه بود، رونق بیشتری یافت. از آنجا که پادشاهان صفوی، مروج مذهب شیعه بودند، با قرار دادن امکانات در اختیار علمای شیعه به همکاری با آنان پرداختند. در این عصر، مدارس دینی در بسیاری از نقاط ایران گسترش یافت و حوزه علمیه قم نیز نه تنها جایگاه همیشگی خویش را حفظ کرد، بلکه با تلاش علماء و توجه ویژه حکومت مرکزی، قم و حوزه علمیه آن اهمیت و اعتبار بیشتری یافت.



سنت وقف و نذر، یکی از رایج‌ترین آداب فرهنگی در ایران دوره صفویه بود و منشأ بسیاری از کارهای عمرانی و خیر شد. این سنت پسندیده که از قبل ریشه در شهر قم داشت، در عصر صفویه به عنوان یک منبع اقتصادی پشتوانه اقدامات علمی و فرهنگی بود. برای نمونه، شاه طهماسب در سال ۹۶۳ هـ مقرر کرد که ایتم دختر و پسر شهر قم مورد رسیدگی قرار گیرند و لباس و نیازهای آنها فراهم شود. همچنین معلمانی مشخص شوند که به تربیت آنها اقدام نمایند و زمانی که به حد رشد و بلوغ رسیدند، وسایل ازدواجشان فراهم شود و سپس به جای هر کدام، یتیم دیگری سامان داده شود (حسینی استرآبادی، ۱۳۶۶، ص ۸۱).

در شهر قم، مدارس علمیه متعددی از قدیم وجود داشت که در عصر صفویه برای آبادانی آنها تلاش شد. همچنین مدارس جدیدی ساخته شد. مدرسه فیضیه، یکی از مهم‌ترین و قدیمی‌ترین مدارس شهر قم در این دوران بود. از قدیم، این مدرسه مهم‌ترین مرکز دینی در شهر قم بوده است. فیضیه بر اساس شواهدی از قرن شش هجری (قزوینی رازی، ۱۳۸۵، ص ۱۹۵) بر پا بوده و شاه طهماسب صفوی، آن را در سال ۹۳۹ هجری تجدید بنا کرده است.

در کتیبه‌ای که بر ایوان جنوبی مدرسه، به طرف صحن کهنه است، به نام شاه طهماسب اشاره شده و عین عبارت آن این است:

قد اتفق بناء هذه العمارة الشريفة... في زمان دولة سلطان اعظم السلاطين... السلطان بن السلطان بن السلطان، أبو المظفر شاه طهماسب بهادر خان، أيد الله تعالى بالنصر والتأييد سلطنته... في سنة ۹۳۹ (فیض قمی، ۱۳۴۹، ج ۱، ص ۵۰۷).

وجه تسمیه آن به فیضیه شاید به آن خاطر است که مدتی مرحوم ملا محسن فیض کاشانی در این مدرسه سکونت داشته است و بعضی هم گفته‌اند چون در جنب مشهد فیض آثار حضرت معصومه (س) است، بدین نام موسوم گشته است (زمانی نژاد، ۱۳۸۴، ص ۱۶۶).

مدرسه دیگری که در عصر صفوی در قم ساخته شد، مدرسه مؤمنیه بود. میرمحمد مؤمن از ادبا و شعرای عصر شاه طهماسب صفوی در اوایل قرن ده ساختن آن را شروع کرد و پس از مدتی امیر محمد مؤمن شاملو، از امرای شاه حسین صفوی در سال ۱۱۱۳ به تکمیل بنای آن همت گماشت و کتابخانه آن را با کتب خطی بسیاری غنی کرد؛ ولی در سال ۱۱۳۵ در حمله افغانه این مدرسه به انبار آذوقه و علوفه تبدیل شد و به نام تحویل خانه مشهور گشت و کتب آن هم به یغما رفت و مدرسان آن هم فراری و متواری شدند (فیض قمی، ۱۳۴۹، ج ۲، ص ۶۵۳).

مدرسه جانی‌خان نیز از مدارس قدیمی شهر قم است که در پایین شهر مقابل مسجد جامع عتیق واقع می‌باشد و بانی آن جانی‌خان یا جهانگیر خانی در عهد صفویه بوده است (همان، ص ۱۷۲).

علمای نامدار قم در عصر صفویه

شرایط مناسب و جایگاه علمی و معنوی قم موجب شد که عده زیادی از بزرگان شیعه در عصر صفویه در این شهر مشغول فراگیری علم و دانش شوند. محیط علمی قم در این دوران چنان گسترده شده بود که توجه جهانگردان خارجی را نیز جلب نمود و برخی از سیاحان این دوره در سفرنامه‌هایشان به این نکته اشاره کرده‌اند. شاردن (۱۳۵۰، ص ۷۷) از طلاب دینی قم در دوره صفوی نام می‌برد.

علمای بزرگی در مدرسه‌های علمیه قم در عصر صفوی به تحصیل و تدریس اشتغال داشتند که معروف‌ترین آنها عبارت است از: صدرالمتألهین، فیض کاشانی، مولی عبدالرزاق لاهیجی، قاضی سعید قمی، مولی محمدطاهر قمی.

صدر المتألهین (۹۸۰-۱۰۵۱)

محمد بن ابراهیم قوامی شیرازی، ملقب به صدر المتألهین یا ملاصدرا در ظهر روز نهم جمادی الاولی سال ۹۸۰ق. در خانواده‌ای صاحب نام در شیراز دیده به جهان گشود (امین، ۱۴۱۰، ص ۱۹۲). تحصیلات اولیه خویش را در شیراز آغاز نمود و برای ادامه تحصیل و دست یافتن به مدارج علمی بالاتر به اصفهان رفت و در آنجا در محضر دو استاد بزرگ خود شیخ بهاء‌الدین محمد عاملی (م ۱۰۳۱) و میرداماد (م ۱۰۴۰) کسب علم نمود (همان، ص ۱۹۳).

ملاصدرا پس از پایان دوره عالی تحصیلات به وطن خود شیراز بازگشته و پس از مدتی به خاطر مزاحمت عالمان یا عالم‌نمایان از آنجا رنجیده و به روستای کهک در اطراف قم رفت (خامنه‌ای، ۱۳۷۹، ص ۴۰۰). علت انتخاب شهر قم برای سکونت توسط ملاصدرا وجود حوزه علمیه و مرقد مطهر حضرت معصومه (س) بوده است. هرگاه ملاصدرا در مطالب علمی به مشکلات پیچیده برخورد می‌کرد، از روستای کهک به زیارت حضرت معصومه (س) می‌آمد و با توسل به بی‌بی دو عالم، مشکلات علمی‌اش حل می‌شد (قمی، ۱۳۸۵، ص ۶۱۸).



ملاصدرا مدت پانزده سال در کهک اقامت کرد (امین، ۱۴۰۳، ص ۳۲۳). در مدت اقامتش در کهک قم بسیاری از جویندگان علم و معرفت از اقصی نقاط ایران به حوزه درسش راه یافتند و از محضر علمی او بهره‌های فراوان بردند. ملاصدرا با تألیف کتاب‌های متعدد کمک زیادی به رشد علم و فلسفه در ایران کرد. او در قم شاگردان بزرگی را تربیت کرد که از بین آنها، فیض کاشانی و فیاض لاهیجی از شهرت فراوانی برخوردارند (همان، ص ۳۲۲).

از او بیش از چهل و پنج اثر در قالب کتاب و رساله باقیمانده است که برخی از آنها عبارت است از: *تفسیر برخی از سوره قرآن، الاسفار الأربعة، المبدأ و المعاد، شواهد الربوبية، المشاعر، الحکمة العرشية، شرح الهدایة الاثیریة، حاشیه بر إلهیات الشفاء، الحشر، القضاء و القدر، مفاتیح الغیب، اکسیر العارفین، الواردات القلبیه، شرح اصول الکافی و أسرار الآیات* (امین، ۱۴۰۳، ص ۱۹۶).

ملاصدرا پس از سال‌ها سکونت در قم به دعوت مردم شیراز، به شیراز بازگشت و ادامه عمر خود را به تدریس در این شهر گذراند (همان، ص ۱۹۸). او در طول عمر پر برکتش هفت بار به سفر حج رفت که بیشتر آنها با پای پیاده بود. در هفتمین سفر بیمار شد و در سن ۷۱ سالگی در سال ۱۰۵۰ ق. در شهر بصره، دار فانی را وداع گفت و در آنجا به خاک سپرده شد (امین، ۱۴۰۳، ص ۳۲۲).

فیض کاشانی (۱۰۹۱-۱۰۰۷)

محمد بن شاه مرتضی بن شاه مرتضی بن محمود، ملقب به محسن و معروف به ملامحسن فیض کاشانی، در چهاردهم صفر سال ۱۰۰۷ ق. در کاشان به دنیا آمد (سبحانی، ۱۳۷۸، ج ۱۱، ص ۳۴۰). خاندان فیض عموماً از علما و بزرگان کاشان بودند. پدرش شاه مرتضی و برادرانش مولی محمد، معروف به نورالدین و مولی عبدالغفور و فرزندان آنها محمد هادی بن نورالدین و محمد مؤمن عبدالغفور و فرزند خود فیض، مولی محمد، ملقب به علم الهدی همگی دارای تألیفات گرانقدری هستند.

فیض در بیست سالگی به اصفهان و سپس به شیراز رفت و علوم زمان خویش را فرا گرفت. پس از آن، به شهر قم آمد و با آشنایی با ملاصدرا حدود هشت سال (تا زمان بازگشت ملاصدرا به شیراز) نزد وی درس خواند و به دامادی او مفتخر شد و حتی همراه او به شیراز رفت و دو سال به همراه ملاصدرا در آنجا ماند، ولی چون در آن زمان

دانشمندی برجسته شده بود، به کاشان بازگشت و در آنجا حوزه درس برپا کرد (همان، ص ۳۴۰-۳۴۱).

محمد، مشهور به علم الهدی، فرزند فیض و یکی از بهترین شاگردانش بود که همواره نزد پدر حضور داشت و در تألیف و تصنیف کتب و رساله‌ها با او همکاری می‌کرد و از پدر چندین اجازه مختصر و طولانی دریافت نمود (همان، ج ۱۲، ص ۳۳۱).

فیض که از علمای بزرگ عصر صفوی محسوب می‌شد، مورد احترام شاه عباس دوم و اطرافیان‌ش بود و حتی شاه عباس دوم در سفرش به قم پشت سر فیض نماز خواند (وحید قزوینی، ۱۳۲۹، ص ۱۸۶). همچنین نماز جمعه مسجد جامع جدید عباسی اصفهان به امامت فیض و با حضور شاه عباس دوم برگزار شد (همان، ص ۳۰۶).

فیض کتاب‌های فراوانی تألیف کرده است که برخی از آثار او عبارت است: *اصول الاصلیة، اصول المعارف، ترجمة الصلاة، تفسیر الصافی، حقائق در محاسن اخلاق، خلاصة الاذکار، رسالة الحق المبین، سفینة النجاة، علم الیقین، عین الیقین، قرة العیون، المحجة البيضاء، مفاتیح الشرائع در الفقه امامی، منهاج النجاة والوائفی* (حسینی جلالی، ۱۳۸۰، ج ۱، ص ۸۸۸-۸۹۰).

فیض کاشانی پس از عمری تدریس و تحقیق، سرانجام در ۲۲ ربیع الثانی ۱۰۹۱ق. دار فانی را وداع گفت و در کاشان به خاک سپرده شد (سبحانی، ۱۳۷۸، ج ۱۱، ص ۳۴۲).

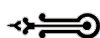
سیرت
میرزا

مولی عبد الرزاق لاهیجی گیلانی قمی (م ۱۰۷۲)

فرزند علی بن الحسین لاهیجی قمی و شاگرد و داماد ملاصدرا بود که ملاصدرا به او لقب فیاض را داد (همان، ج ۷، ص ۴۷۱). پسرش میرزا حسن (۱۱۲۱) تحت سرپرستی پدر از علمای به نام و دانشمند عصر خویش گشت که کتاب‌های متعددی از جمله *شمع الیقین و جمال الصالحین* از وی به یادگار مانده است (تهرانی، بی‌تا، ج ۱، ص ۵۲).

آثار مهمی از فیاض بر جای مانده که برخی از آنها عبارت است از: *شرح التجرید، گوهر مراد، شرح هیاکل، الکلمات الطیبه، حاشیه بر حاشیه خضری، شرح اشارات خواجه، دیوان شعر به فارسی* (امین، ۱۴۰۳، ص ۳۲۲)، *سوارق الالهام و شرح هیاکل النور* (تهرانی، بی‌تا، ج ۹، ص ۸۵۲).

سال وفات ایشان به طور دقیق معلوم نیست. برخی چون مؤلف روضات الجنات و اعیان الشیعه، تاریخ وفات او را سال ۱۰۵۱ق (یک سال بعد از وفات استادش ملاصدرا) می‌دانند و برخی دیگر، مثل استاد علامه تهرانی در *اعلام الشیعه و مؤلف ریحانة الادب*،



وفات وی را سال ۱۰۷۲ق. دانسته‌اند. با در نظر گرفتن تاریخ به حکومت رسیدن شاه عباس دوم (۱۰۵۲-۱۰۷۷) و از اینکه کتاب *گوهر مراد* به او اهدا شده، ضعف نظر اول روشن می‌شود و تاریخ دومی تأیید می‌شود؛ چون بر اساس تاریخ اولی، شاه عباس یک سال بعد از مرگ ملاعبدالرزاق به سلطنت می‌رسد و اهدای کتاب به او به عنوان سلطان ممکن نخواهد بود. از سوی دیگر، وی *گوهر مراد* را در سال ۱۰۵۸ تلخیص کرد و آن را *سرمایه ایمان* نام گذاشت و طبعاً این کار با فوت او در سال ۱۰۵۱ سازگار نخواهد بود. پس صحیح‌تر این است که وی در سال ۱۰۷۲ (در قم) وفات کرده باشد. بعد از رحلت، این دانشمند برجسته در قبرستان بزرگ شیخان دفن گردید (هزار، ۱۳۸۴، ص ۱۰۵).

قاضی محمد سعید قمی (۱۰۴۹-۱۱۰۷)

قاضی محمد سعید، فرزند محمد مفید در سال ۱۴۰۹ در قم متولد شد (حسینی جلالی، ۱۳۸۰، ج ۲، ص ۱۵). تنها، سعید و حکیم، نام‌هایی است که تخلص شعری وی می‌باشند (بانو کریمی، ۱۳۸۳، ص ۲۴). او در نزد حکیم ملاعبدالرزاق فیاض لاهیجی (۱۰۷۲)، ملارجعلی تبریزی (۱۰۸۰) و ملامحسن فیض کاشانی (۱۰۹۱) به کسب علم مشغول شد (امین، ۱۴۰۳، ص ۳۴۴).

قاضی سعید در بسیاری از علوم مهارت بود و آثار گرانقدری از او بر جای مانده است. برخی از آثار او عبارت است از: *اسرار العبادات، النفعات الإلهية، رسالة البوارق الملکوتیه، چهل حدیث، أسرار الصنائع، شرح حدیث رأس الجالوت از امام رضا(ع)، الكشف عن القرات السبع، التوحید، کلید بهشت، حاشیة «شرح الإشارات» از خواجه نصیر الدین طوسی* (سبحانی، ۱۳۷۸، ج ۱۲، ص ۳۷۸).

برادر بزرگ‌ترش، حکیم محمدحسین، رئیس پزشکان دربار صفوی و از هم‌نشینان شاه عباس دوم بود. قاضی سعید به واسطه برادر به دربار راه یافت و در زمره پزشکان شاه قرار گرفت. پس از مرگ شاه عباس دوم، هر دو برادر به اتهام کوتاهی در مداوای شاه به قم تبعید شدند (نصرآبادی، ۱۳۷۸، ص ۲۴۱). او در قم به قضاوت مشغول شد و این نشانه مهارتش در شرعیات است (مدرس تبریزی، ۱۳۷۴، ج ۴، ص ۴۱۳) و بقیه سال‌های حیاتش را در قم ماند تا در همین شهر وفات یافت (همان).

مولی محمد طاهر قمی (م ۱۰۹۸ یا ۱۱۰۰)

مولی محمد طاهر، فرزند محمد حسین شیرازی نجفی قمی، یکی از بزرگان علمای امامیه در دوران حکومت صفویان می‌باشد. زادگاه او در شیراز است. وی در جوانی به نجف رفته و به کسب علوم دینی مشغول می‌شود. او پس از اتمام تحصیل، روانه شهر قم شده و منصب شیخ الاسلام و امامت جمعه در این شهر را عهده‌دار می‌گردد (همان، ج ۳، ص ۴۸۹؛ کحاله، بی تا، ص ۱۰۱؛ خوانساری اصفهانی، ۱۳۶۰، ص ۲۶۲).

مولی محمد طاهر، یکی از شاعران برجسته‌ای است که در بیشتر دانش‌ها تخصص داشت و شخصیتی است که از مشایخ روایت محسوب می‌شود و همچنین از کسانی است که سلسله اساتید در اجازات به او می‌پیوندند. او دانش فقه را با فلسفه صحیح عالی همراه دارد و کلام مورد وثوق او با ادبیات او توأم است. فضیلت فراوان را با موعظه‌های بلیغ و نصایح درآمیخته و حکمت‌های فراوان در کلام خود آورده است. کتاب‌های تراجم مشحون از توصیف و ستایش این شاعر بزرگ است (امینی نجفی، بی تا، ص ۲۰۸).

یکی از نظریه‌های معروف او، نظریه واجب بودن نماز جمعه است که بین او و ملاخلیل که نماز جمعه را در غیبت امام (ع) حرام می‌دانست، تعارضاتی وجود داشت. همچنین در مسئله تصوف نیز مکاتباتی بین او و یکی از علمای نامی وقت شد و رساله‌ای در رد صوفیه نوشت و جمعی از عرفا و علما را رد کرد (مدرس تبریزی، ۱۳۷۴، ج ۳، ص ۴۸۹-۴۹۰).

آثار متعددی از وی برجای مانده که برخی از آنها عبارت است از: شرح تهذیب الحدیث، حکمة العارفین در رد شبه مخالفین، کتاب اربعین در فضائل امیر المؤمنین و امامت ائمه طاهرین، رساله جمعه، رساله فوائد دینیه در رد حکماء و صوفیه و کتاب حجة الاسلام (حرعاملی، بی تا، ص ۲۷۷).

سرانجام در سال ۱۰۹۸ (مدرس تبریزی، ۱۳۷۴، ج ۳، ص ۴۹۰؛ تهرانی، بی تا، ج ۶، ص ۱۵۷؛ قمی، ۱۳۸۵، ص ۸۵۴)، یا در سال ۱۱۰۰ هجری (حسینی اشکوری، ۱۳۸۰، ص ۱۹۹؛ سبحانی، ۱۳۷۸، ج ۱۱، ص ۳۳۲-۳۳۳) وفات کرد و در پشت قبر جناب زکریا بن آدم قمی صحابی بزرگ امام رضا (ع) در قبرستان شیخان قم به خاک سپرده شد (قمی، ۱۳۸۵، ص ۸۵۴؛ خوانساری اصفهانی، ۱۳۶۰، ص ۲۶۵).



جمع بندی

حکومت شیعه مذهب صفویه به مکان‌هایی که نماد تشیع در ایران محسوب می‌شدند، توجه ویژه‌ای می‌نمود و با ظهور این دولت، زمینه مناسبی برای عمران و آبادی شهر قم فراهم شد. در این دوران، در شهر قم که از قدیم به عنوان مرکز شیعیان ایران شناخته شده و مهد پرورش محبان اهل بیت محسوب می‌شد، زمینه‌ای فراهم شد تا فعالیت‌های علمی و فرهنگی بیشتری رواج یابد. مدارس علمیه قدیمی رونق بیشتری یافت و مدارس جدیدی نیز ساخته شدند. در این دوران، علمای بزرگی از قم برخاستند که منشأ خدمات فراوانی گردیدند و امروزه آثار ارزشمندی از ایشان بر جای مانده است.

فهرست منابع

۱. امین، سید حسن (۱۴۱۰)، *مستدرکات أعيان الشيعة*، ج ۳، بیروت: دار التعارف للمطبوعات.
۲. امین، سید محسن (۱۴۰۳)، *أعيان الشيعة*، ج ۹، بیروت: دار التعارف للمطبوعات.
۳. امینی نجفی، عبدالحسین (بی تا)، *الغدیر*، ترجمه جلیل تجلیل، ج ۲۲، بنیاد بعثت.
۴. بانوکریمی، امیر (۱۳۸۳)، *دیوان اشعار قاضی سعید قمی*، چاپ اول، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
۵. بلاذری، ابی الحسن (۱۴۱۲)، *فتوح البلدان*، بیروت: دارالکتب العلمیة.
۶. تهرانی، شیخ آقا بزرگ (بی تا)، *الذریعة إلى تصانیف الشيعة*، ج ۱، ۶ و ۹، اسماعیلیان قم و کتابخانه اسلامیة تهران.
۷. حسینی استرآبادی، سیدحسین بن مرتضی (۱۳۶۶)، *تاریخ سلطانی* (از شیخ صفی تا شاه صفی)، چاپ دوم، تهران: علمی.
۸. حسینی اشکوری، احمد (۱۳۸۰)، *تراجم الرجال*، ج ۳، چاپ اول، قم: دلیل ما.
۹. خامنه‌ای، سید محمد (۱۳۷۹)، *ملاصدرا*، تهران: بنیاد حکمت اسلامی صدرا.
۱۰. خوانساری اصفهانی، میر سیدمحمد باقر (۱۳۶۰)، *روضات الجنات فی احوال العلماء و السادات*، ج ۴، ترجمه محمد باقر ساعدی خراسانی، تهران: کتابفروشی اسلامیة.
۱۱. دینوری، ابوحنیفه احمد بن داود (۱۳۶۸)، *الأخبار الطوال*، تحقیق عبد المنعم عامر مراجعه جمال الدین شیال، قم: منشورات الرضی.
۱۲. زمانی نژاد، علی اکبر (۱۳۸۴)، *شناخت نامه حضرت فاطمه معصومه (س)* و شهر قم: چاپ اول، قم، زائر.
۱۳. سبجانی، جعفر (۱۳۷۸)، *موسوعه طبقات الفقهاء*، ج ۷، ۱۱ و ۱۲، چاپ اول، قم: مؤسسه امام صادق.
۱۴. حسینی جلالی، سید محمد حسین (۱۳۸۰)، *فهرس التراث*، ج ۱ و ۲، چاپ اول، قم: انتشارات دلیل ما.
۱۵. شاردن (۱۳۵۰)، *سیاحت نامه شاردن*، ترجمه محمد عباسی، ج ۳، تهران: امیرکبیر.
۱۶. عاملی، شیخ حر (بی تا)، *أمل الأمل*، ج ۲، نجف اشرف، مکتبة الأندلس - بغداد.
۱۷. قزوینی رازی، نصرالدین ابوالرشید عبدالجلیل (۱۳۸۵)، *التقص معروف به بعضی مثالب النواصب فی تقص بعض فضائح الروافض*، تصحیح میر جلال الدین محدث، تهران: انتشارات انجمن آثار ملی.
۱۸. فیض قمی، میرزا عباس (۱۳۴۹)، *گنجینه آثار قم*، ج ۲، چاپ اول، قم: چاپخانه مهر استوار.
۱۹. قمی، حسن بن محمد بن حسن (۱۳۶۱)، *تاریخ قم*، ترجمه حسن بن علی بن حسن عبد الملک قمی، تحقیق سید جلال الدین تهرانی، تهران: توس.
۲۰. قمی، شیخ عباس (۱۳۸۵)، *فوائد الرضویه فی احوال علماء المذهب الجعفریة*، ج ۲، تحقیق ناصر باقری بیدهندی، چاپ اول، قم، مؤسسه بوستان کتاب.
۲۱. کحاله، عمر رضا (بی تا)، *معجم المؤلفین تراجم مصنفی الکتب العربیة*، ج ۱۰، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۲۲. مجلسی، محمد باقر (۱۴۰۴)، *بحار الانوار*، ج ۵۷، بیروت: مؤسسه الوفاء.
۲۳. مدرس تبریزی، محمد علی (۱۳۷۴)، *ریحانة الادب*، ج ۳ و ۴، چاپ چهارم، تهران: خیام.
۲۴. نصرآبادی، محمد طاهر (۱۳۷۸)، *تذکرة الشعراء*، ج ۱، تصحیح محسن ناجی نصرآبادی، چاپ اول، تهران: اساطیر.
۲۵. وحید قزوینی، محمد طاهر (بی تا)، *عباس نامه*، تصحیح ابراهیم دهگان، اراک: کتابفروشی داودی.
۲۶. هزار، علیرضا (۱۳۸۴)، *دانشوران قم*، چاپ اول، قم: زائر.